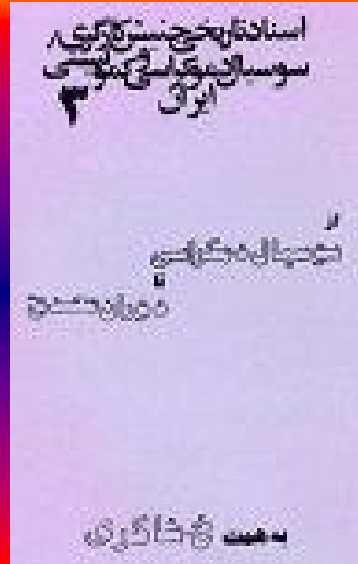


چند نوشته از (درباره): رادمنش، کامبخش، طبری، قاسمی و ملک



اسناد تاریخی جنبش کارگری / سوسیالیستی ایران  
و کمیته سوسیالیستی ایران - جلد سوم  
به همت خسرو شاگری  
چاپ اول: انتشارات بزرگ - طهران - ۱۳۷۲  
چاپ دوم: انتشارات علم - تهران - بهمن ۱۳۵۹  
چاپ سوم: نگارنگ کتاب ایران - سوئد - زمستان ۱۳۸۵  
تمام حقوق طبع - COPYRIGHT - از آن انتشارات  
پادشهر تهران و انتشارات بزرگ طهران است.

فهرست جلد سوم

صفحه	عنوان
۹	نظامنامه جمعیت اجتماعیون اتحادیون ایران
۲۵	نظامنامه تشکیلات فرقه اشتراکیون ایران (گیلان)
۳۶	جنبش انقلابی درخاور زمین - ایران - از مجله کمترین
۴۷	سخنرانی آقا زاده در سومین کنگره کمترین
۴۸	سخنرانی شرقی در ششمین کنگره کمترین
۵۴	درباره مجازی کارگر شهید
۵۴	قانون چیست - احمد قاسمی
۵۵	حزب سوسیالیست چه می گوید؟
۵۸	سیاست ما - دکتر رادمنش
۶۲	نصوحیات مبارزات اجتماعی در شرایط امروزی ایران
۶۷	تعلیلی از جریان دومین کنگره حزب توده - ۱ - طبری
۷۸	در سرانسیب انشعاب - احمد قاسمی
۸۶	جمعیتی تجارب گذشته
۹۳	عبدالصمد کامبخش - یوگرافی
۱۰۱	دکتر رضا رادمنش - یوگرافی
۱۰۵	سری مقالات آذیر (روزنامه جعفر پیشه‌وری): چه خواهیم نوشت؟ چه خواهیم نوشت؟ سال دوم آذیر تاریخچه حزب عدالت * * * هدف عدالت آری ما همین پرست هستیم سرکشتن من (پیشه‌وری) پیشه‌وری کیست؟ پیشه‌وری کاندید تیریز است ما و احزاب سیاسی خبر نقل دکتر ارانی درباره رهبر ورهبری درباره بعضی مدعیان پرمدعای رهبری ما چه می گوئیم - ملت چه می خواهد؟ * * * انجمنهای ابائی و ولایتی - کردیم کشاورز فوت روز ولایت درباره مرگ حضرت علی - رهبر برخورد عقاید و آراء - حزب توده چه می گفت و چه می کرد؟ پس از یکصد سال، شیخ دیگری چرا سران حزب توده مبالغه در نیرومند بودن

عنوان

صفحه	عنوان
۱۷۹	استعمار کرده‌اند؟
۱۸۱	چرا سران توده برای انقاص امتیاز نفت اقدام نکردند
۱۸۴	مبارزه برای دادن امتیاز به شوروی
۱۸۶	آنچه برای دیگران عبرت تاریخی است...
۱۸۸	خدمت حزب توده و خیانت سران آن
۱۹۱	تحول اجتماعی ضروری ایران...
۱۹۳	آنچه رهبران حزب توده می توانستند بکنند
۱۹۵	نفاذ کردن مناقع اساسی ایران
۱۹۷	بزرگترین عیب رهبران توده
۲۰۰	تقاضای امتیاز نفت شمال
۲۰۱	روش مطالبه نفت شمال ایران
۲۰۴	بزرگترین خدمت و خیانت
۲۰۶	فرقه دموکرات آذربایجان
۲۰۸	اعتبارنامه پیشه‌وری
۲۱۰	دشمنی فرقه با عناصر روشنفکر...
۲۱۲	مکانیسمی که از مؤمن مزدور می‌سازد
۲۱۴	یکی از همکاران نزدیک پیشه‌وری
۲۱۶	ژنرال مارکوس و پیشه‌وری
۲۱۸	فرقه خلق الساعه دموکرات
۲۲۱	رهبران توده در قسمت از شمال و جنوب سازمان نداشتند
۲۲۳	فکرین المللی در خدمت یک ملت
۲۲۶	موقفیت جبهه ملی
۲۳۰	از شرایط بقاء و موفقیت بیشتر جبهه ملی نه سال حرف
۲۳۳	مرحله تاریخ کونی
۲۳۶	اهمیت نهضت کارگری
۲۳۹	دوره برای مشکل کشاورزی
۲۴۲	وظیفه تاریخی جبهه ملی
۲۴۵	ساختن طیفاتی جامعه ملی و بین المللی
۲۴۷	دو درس که از صنعت نفت جنوب آموختیم.
۲۵۱	آیا حزب زحمتکش ملی است؟
۲۵۵	ملی و بین المللی
۲۵۸	اهمیت انقلاب صنعتی
۲۶۱	نیروی حوم چیست؟
۲۶۶	آیا جبهه ملی ناسیونالیست است؟
۲۷۶	بختنامه به کلیه و اسدعای حزبی در مهاجرت
۲۸۴	مبارزه درون حزب و سانترالسم دموکراتیک
۲۸۷	نفت (بیداری ما)
۳۰۰	بیانیه جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی ایران ۱۳۳۹
۳۰۴	انقلاب در شرق - خاطرات احسان الله خان از جنگل
۳۳۵	انقلاب روس و ایران - ویکتور سرژ
۳۵۷	

فعالیت و کار به ایران شناسفته است. در سرتاسر زندگی پرشور او یکسال آرام، یکدم آسودگی و تن آسانی نمی توان یافت.

اگر در لاهیجان دوره ابتدائی تحصیلات خود را می گذرانده است در ستاد انقلابیون و در وزیر سلاح انقلابیون همیشه بپایانده بوده است. اگر در تهران دوران تحصیلی خود را طی می کرد، در عین حال که عضو حزب اجتماعیون بوده، مسئولیت بزرگی از طرف سازمان مخفی آزادیخواه تهران در ایجاد اتحادیه های محصلین تهران داشته است، مقدمات اعتصاب بزرگ دارالفنون را در ۱۳۰۶ فراهم می کرده، حتی در «کان» در فرانسه نیز بیکار ننشسته و گذشته از ارتباط محنتی دائمی و صمیمانه ای که با مرتضی علوی در آلمان داشته است، در صف جوانان حزب سوسیالیست فرانسه علناً به مبارزه برخاسته است.

در فرانسه که بود، ایرج اسکندری را به معرفی مرتضی علوی که از آلمان با او در ارتباط بود شناخت. پایه صمیمیتی که در گوشه های دانشگاه های اروپا ریخته شد و همکاری پربرکتی که جوانان و دانشجویان آرزوی ایران را در سرتاسر اروپا بر علیه رژیم منفور دیکتاتوری بیست ساله متحد ساخته بود، آنقدر متین و آنقدر پربرکت بود که با وجود همه ناکامیهای که پس از ورود این جوانان به ایران با حرص و آرز تمام در انتظارشان نشسته بود، عاقبت همه ایران را به حرکت در آورد. دکتر رادمش از هنگام تحصیل خود در تبریز با کامبخش، روستا و اردشیر آشنا بود و با آنان همکاری می کرد. در بهمن ۱۳۱۴ - ۱۹۳۶ که از فرانسه به ایران باز گشت در محیطی که دکتر ارانی و دیگران مدتی بود دامنه این همکاری را وسیع تر کرده بودند آنچه را که می خواست یافت.

آورا پس از رسیدن به تهران به دانشیاری فیزیک در دانشکده فنی و دانشسرای عالی انتخاب کردند. از آن هنگام تا کتون دکتر رادمش اسناد یکی از دقیقترین و جدیدترین قسمت های برنامه دانشکده فنی است. در آخر تابستان ۱۳۱۵، برای خدمت زیر پرچم به دانشکده انصری رفت و در فروردین ۱۳۱۶ با درجه انصری از آنجا خارج شد و در ۲۵ فروردین همان سال در لباس انصری بود که دستگیر شد و به همراه ۵۲ نفر دیگر تا ۲۸ شهریور ۱۳۲۰ در زندان بسر برد. محکومیت او به عنوان عضویت در دسته ۵۳ نفره، ه سال حبس بود. زندگی حزبی او که بلافاصله پس از آزاد شدن از

### دکتر رضا رادمش

مردی که از شانزده سالگی خود، تاکنون که چهل و یکسال دارد، همیشه در میان جوانان و با جوانان و رهبر جوانان بوده است و هر روز و ساعتی از زندگانی او انعکاسی از فعالیت و تحرك قوای جوان و تازه نفس ملت ایران به شمار می رود، دکتر رادمش، مردی است رشیده، محکم، منطقی و گذشته از همه اینها صریح و رک گو.

از سال ۱۳۰۰ که برای اولین بار عضو سازمان جوانان دموکرات لاهیجان شد و دو ماه بعد از آن تاریخ، به عنوان صدر آن سازمان انتخاب گردید تاکنون، به عنوان چکیده و فشرده قوای متحرک جوانان ایران همیشه در تکاپو و جنبش بوده و دائماً در صفوف مبارز انقلابی ترین احزاب آزادیخواه ایران نه تنها مبارزه کرده بلکه به جنگ نیز رفته است. در همان هنگام که به عنوان نمایندگی کنکرة جوانان آزادیخواه کیلان انتخاب می شد، در ستاد ارتش انقلابیون لاهیجان به نویسندگی اشتغال داشت و روزی که به وجود او احتیاج پیدا کردند تفنگ بنسنت گرفت و به جبهه شناخت. در ۱۲۸۴ در لاهیجان متولد شده است. تحصیلات ابتدائی خود را در همانجا پایان رسانیده و دوره متوسطه را در دبیرستان ثروت (ایران شهر امروز) و دارالفنون به پایان رسانیده است.

در پایان سال ۱۳۰۶ پس از ختم دوره دبیرستان پس از یکسال دبیری در رشته فیزیک و ریاضی در مدرسه علمی در جزو اولین دسته محصلین اعزامی به اروپا، اسم نوشته و پس از قبول شدن در مسابقه، به فرانسه مسافرت کرده است. در ابتدا در دوشهر آسنی Ancey و گرونوبل سپس در شهرهای کان و پاریس به تحصیل خود ادامه داده است.

تحصیلات مهندسی خود را در کان پایان رسانیده و پس از رفتن به پاریس در رشته فیزیک عمومی و فیزیک ریاضی تحصیلات خود را دنبال کرده و در سال ۱۹۳۶ رساله دکتری خود را Doctorat d'etat در موضوع «هدایت الکتریکی در کوآرتز» با ذکر «بسیار عالی» گذرانده و بلافاصله در انتظار یک آئینه پراژ

اسناد تاریخی... جلد سوم / ۱۰۷

زندادان و با شرکت در تأسیس حزب شروع می شود، یک زندگی پر فعالیت و پر تکاپو است.

فعالیت او در تمام رشته های مطبوعاتی، تشکیلاتی و تبلیغاتی بوده است. دکتر رادمش تمام ایران را برای پیش بردن صفوف حزبی ساکن شده است. صدای محکم و قوی او را تمام مردم ایران از شیراز گرفته تا بندر پهلوی به گوش خود شنیده اند.

ماموریت های حزبی او به بولایات، همیشه ترین موفقیت بود. او از این مأموریت ها در سخت ترین شرایط و مذاق نیز رویگردان نبوده است. در مأموریتی که در سال ۱۳۲۳ به یزد و کاشان رفته بود چیزی نمانده بود که در یزد از این بزرود، دکتر رادمش مردی است شاد و شوخ. در زندان گذشته از اینکه سرسخت و بااستقامت بود، شوخیهای مخصوص او در مقابل دستگاه های آدمکشی و قلدری زندان، همه اولیای زندان را به عذاب می آورد. در حزب قبل از تشکیل کنکرة مسئول تشکیلات کل بود.

زحماتی که او در این دوران سخت کشیده است، مورد نظر همه رفقای حزبی است. فعالیت مطبوعاتی او مستقیماً از هنگامی شروع می شود که امتیازنامه مردم را به اسم خود گرفت، پیش از آن، نامه مردم به مسئولیت ضرر نوعی و عباس تراتی به عنوان تنها ارگان صدقانیست در ایران، در محافل آزادیخواه برای خود محبوبیتی فراهم کرده بود. دکتر رادمش تصریح کننده و دنبال کننده این مبارزه بود. مبارزه ای که اکنون نیز بسی صریح تر ادامه دارد.

عضویت او در کمیته مرکزی، در کنکرة اول حزب نیز تأیید و تثبیت گردید و اکنون او، گذشته از اینکه مدیر «مردم» و استاد دانشگاه است عضو کمیته مرکزی حزب، عضو هیئت سیاسی، مسئول شورای شهرستان اتحادیه های کارگران و رهبر سازمان جوانان ایران است. اینها همه پادشاه های پرازشی است در آزادی زندگی پر از فعالیت و مبارزه او. در دوره چهاردهم از لاهیجان به نمایندگی انتخاب شد و در تمام دوره گذشته مجلس یکی از فعالترین افراد فراکسیون پارلمانی حزب بزرگ ما بود. معرفی حزب ما در محافل داخلی مملکت، تا اندازه زیادی وابسته به فعالیت ها و سخنرانیهای منطقی و کوبنده او در مجلس است. «حرف را با حرص و مشورت با پشت پاسخ می دهیم!» شعاری بود که کمیته مرکزی حزب ما وسیله دکتر رادمش در مجلس چهاردهم داد و از آن روز به بعد بود که ملت ایران، خود را در مقابل مظالم هیئت های حاکمه محکم تر و کوبنده تر ساخت.

### عبدالصمد کامبخش

پس از کنکرة اول حزب ما، تا کتون عبدالصمد کامبخش را به عنوان مسئول تشکیلات کل حزب ما، همه در همه جا می شناسند. او که یک متخصص بسیار ماهر فن هواپیمائی است اگر امروز این مسئولیت تشکیلاتی را به عهده دارد هیچ جای تعجب نیست. رفقای ما با هر تخصص فنی که داشته باشند همیشه یک فرد تشکیلات دهنده و یک مرد حزبی هستند.

کامبخش در سال ۱۲۸۱ شمسی متولد شده است. ایام کودکی خود را تا ۷ سالگی در تهران و قزوین گذرانده و از آن پس تحصیلات ابتدائی و بعد نیز متوسطه خود را با مدتی گسیختگی به مناسبت انقلاب اکبر شوروی - در روسیه نزاری و اتحاد جماهیر شوروی گذرانده است. او در تمام این مدت در شوروی در خانواده یکی از دوستان پدر خود به سر می برده است. از رفقای کمیته مرکزی ما او است که انقلاب کبیرا اکبر را از نزدیک ناظر بوده و نخستین درس های اجتماعی را از آن گرفته است.

کامبخش پس از پایان مدرسه متوسطه در سال تحصیلی ۱۳۰۲-۱۳۰۳ (۱۹۲۴-۱۹۲۳) وارد مدرسه علوم عالی اقتصادی دانشگاه مسکوه شده است و تحصیلات تخصصی خود را در این رشته ادامه داده است. بعداً در سال ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) در جزو محصلین ایرانی متیم شوروی برای طی تحصیلات فنی هواپیمائی در مسابنه ورودی این رشته شرکت کرد و با زبته شاگرد اولی و به خاطر ذوق و علاقه مخصوصی که در این رشته داشت برای ادامه تحصیلات عالیتر خود در این رشته اجازه اقامت در شوروی را تحصیل کرد.

طی چهار سال دیگر، تمام رشته های تخصصی هواپیمائی را اعم از فنی رهبری هوائی (ناویگاسیون) و خلبانی با بهترین وجهی دید و در همه جا به عنوان شاگرد اول شناخته شد و بلافاصله پس از ورود به ایران، وارد نیروی هوائی گردید. با وجودی که خدمت نظام را از درجه ستوان دومی آغاز کرده بود همیشه مشاغل مهمی داشت و حتی به فرماندهی مدرسه مکانیک نیز نائل شد.

قرار منع تعقیب او را صادر کرد، به عنوان عدم صلاحیت، از ادامه خدمت در هواپیمائی محروم شد و از آن پس به کارهای فنی اشتغال ورزید.

در خلال همین احوال بود که با دکتر اراتی، رابطه پیدا کرد و همکاری او با دکتر درست طرز اداره کردن مجله دنیا و روشن ساختن افکار جوانان آغاز شد.

این فعالیت بود که برای چهارمین بار موجب گرفتاری او گردید. در این باره در سال ۱۳۱۶ او را توقیف کردند و بر طبق قانون سیاه معروف به عنوان «مؤسس حزب اشتراکی» محکوم به ده سال حبس ملجرش ساختند. تمام دوران زندان او به استثنای ۱۵ ماه آخر آن که در زندان بندر بوشهر گذشت در زندان مجرد شهربانی تهران سپری شد. دوران زندانی که برای رفقای ما نه تنها عرصایع شده و به همدار رفتی نبود بلکه آنان را وامی داشت که برای روزهای سخت آینده در میان همان سلولهای مجرد تجربه بیاموزند و خود را مهیا سازند.

وقایع شهریور موجب آزادی کسانی را که در زندانهای بنادر جنوب بصره بودند فراهم ساخت. فقط پس از چند ماه (اواسط آبان ۱۳۲۰) کامبخش آزاد شد. در حالیکه ابتلائی شدید به مالاریای استخوانی و ورم کبد مدتی از فعالیت باز شد.

قبل از اینکه آزاد شود به مناسبت ابتلائی به این امراض، رئیس شهربانی بوشهر بنا به اصرار پزشک، از تهران تقاضای انتقال او را به بهداری کرد و متذکر شده بود که در صورت عدم انتقال، تلف شدن بیمار حتی است. جوابی که از شهربانی تهران رسید حاکی بود که «انتقال لازم نیست همانجا بماند.» راستی جواب مختصر و مفیدی بود. همه ملت ایران را با همین جوابهای مختصر و مفید بسوی مرگ و نیستی می کشیدند!

کامبخش پس از بهبودی خود شروع به فعالیت کرد و مدتی خارج از تهران و از آن جمله مدت ۹ ماه در قزوین برای ادامه دادن یک مبارزه انتخاباتی که شدت آن بیش از هر جای دیگر بود اشتغال داشت.

در اولین کنگره حزبی به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد و از آن پس عضو کمیته و مسئول تشکیلات کل است. در دوره چهاردهم از قزوین به نمایندگی انتخاب شد و در مجلس سیم بزرگی از رسوا کردن دسیسه های ضد امنیت و آزادی ایران که بدست صدرها و طرفداران او ریخته می شد از آن اوست. نطق بزرگ او در هنگام معرفی

اولین مانور علمی و دقیق بمبارانها و عملیات مهم هوایی در ایران که تا آن زمان سابقه نداشت تحت فرماندهی مستقیم او انجام شد. این است بطور خلاصه سابقه تحصیلات کامبخش در ایران و در شوروی. در چند سالی که به واسطه بسته بودن مدارس و عدم امکان ادامه تحصیل در شوروی، در ایران بسر می برد، محرومیت های مردم ایران را بهتر می دید و دقیق تر درک می کرد. او که مقدمات قیام مردم روسیه را بر علیه زورگویی تزارها دیده بود از همان هنگام نقشه این را در سر می بخت که بالاخره مردم ایران نیز باید روزی قدرت تزارهای محلی خود را واژگون کنند. در همین ایام اقامت خود در ایران - از هفده سالگی بود که وارد فعالیت های سیاسی شد. بدو آ در جمعیت «آزادیخواهان قزوین» و سپس بوسیله انجمن بنام «انجمن پرورش» که خود او برای مبارزات فرهنگی تأسیس کرده بود. بخصوص این انجمن که گردانندگان آن همه از جوانان ترقیخواه و پاک قزوین تشکیل شده بودند در مدتی اندک شهرت بسزائی یافت و باین وسیله توانست دامنه فعالیت های خود را بسی وسعتر کند.

این فعالیت شدید که کم کم از محیط فرهنگ به سیاست کشیده شده بود برای زمامداران و حکومت قزوین این سؤال را پیش آورده بود که آیا بین این کسان یا سازمان جوانانی که در تهران زیر نظر جوانان آزادیخواه و انقلابی وقت (از آن جمله روستا) اداره می شود ارتباطی هست یا نه؟ همین مسئله بود که باعث اولین گرفتاری کامبخش شد. او را در شهربانی قزوین توقیف کردند و به عت عدم مدارک کافی برای اثبات جرم، پس از دوازده روز مجبور به استخلاص شدند.

از این روز به بعد او هر وقت در ایران بسر می برده است تحت نظر پلیس و تحت تعقیب دائمی جاسوسان شهربانی بوده است. حتی در مواقعی که نماینده مجلس شورای چهاردهم بود! او را عامل خطرناکی تشخیص داده بودند و در پیرو همین تعقیب دائمی بود که بلافاصله پس از مراجعت دومش از شوروی، برای دومین بار در قزوین بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت.

پس از پایان تحصیلات فنی خود و ورود به ایران وارد خدمت هواپیمائی ارتش شد و در تمام مدت خدمت تحت تعقیب دقیق شهربانی و رکن دوم ستاد ارتش بود. بالاخره شهربانی که نمی توانست مدرکی بدست آورد به صورت تشدید سوءظن پیشنهاد بازداشت او را داد و او را بدون اینکه خلع درجه کنند ۹ ماه در زندان شهربانی و در زبانی نگهداشتند و با اینکه دادرسی ارتش

سال دوم دوره پنجم - شماره ۹ (۲۱) - اول خرداد ماه ۱۳۲۷



احسان طبری

تحلیلی از جریان دومین کنگره حزبی و کارهایی که این کنگره انجام داده است

موقعیت تاریخی دومین کنگره حزب توده ایران

دومین کنگره حزب توده ایران، سه سال و هشت ماه پس از پایان نخستین کنگره این حزب، در شرایط دشوار مبارزه اجتماعی تشکیل شد. با توجه به نقش حساس و مؤثر حزب مادر تاریخ ایران، با توجه به این حقیقت که حزب ما متشکل ترین سازمان دموکراتیک موجود کشور و تنها تشکیلاتی است که با روشن بینی اجتماعی برای تأمین سعادت توده ملت و نجات مین ما ایران بیکار می کند به آسانی می تواند دریافت که تشکیل دومین کنگره حزب توده ایران یک واقعه تاریخی شایان دقت و اهمیت است. در ادامه که نیروهای ارتجاعی از هر نوع و هر قماش بنا بر الهامات بریانیستی و در زیر پرچم استعمارطلبان جمع می شوند و تمام نیروی خود را به منظور ایستادگی در برابر نهضت های آزادی خواه و مترقی گرد می آورند، تشکیل دومین کنگره حزب توده ایران یعنی اجتماع فعال ترین افراد پیشروترین جنبشهای وطن ما، به عنوان حادثه ای که سرنوشت نبرد آزادیخواهان و عناصر مترقی را تعیین می کند، در سرنوشت و تیرد عمومی آزادی بر ضد ارتجاع مؤثر است و مقام برجسته ای در حوادث معاصر کشور ما دارد. لذا دست و پاچاست اگر ما تشکیل دومین کنگره حزب توده ایران را مانند واقعه تاریخی بزرگی تلقی کنیم. صرف نظر از اهمیت شایان تاریخی، این واقعه از لحاظ زندگی حزب ما حادثه ای سترگ و پراهمیت محسوب می شود. مختصات شرایطی که در آن دومین کنگره حزب ما تشکیل یافت به قرار زیرین است:

کابینه حکیمی بسیار قابل توجه است. در این نطق بخصوص تکیه به این شده بود که روسای خائن ارتش و کسانی که یک جنگ برادر کشی و خانگی را تنها برای سوء استفاده هایی که از سیورسات ارتش می برند، رسوا شوند. در ایامی که نماینده مجلس چهاردهم بود و به خصوص در دوران حکومت صدر پیش از همه او را تحت نظر داشتند و با وجود مصونیت پارلمانی، رفقای ما که با کامبخش کاری داشتند هر روز صبح که به سراغ او به خانه اش می رفتند از مقابل چندین نفر جاسوس و بازرس مخفی شهربانی و ستاد ارتش می گذشتند. کامبخش یک مسئول تشکیلات به تمام معنی کاری است. سردی است فعال، کار کشته و تجربه دار در امور تشکیلاتی. در میان رفقای کمیته مرکزی ما کسان زیادی هستند که خوشبختی را به جلد کمال دارا هستند. کامبخش یکی از آنها است. او در عین حال سردی است جدی و از هر گونه سهل انگاری رویگردان.

و تاز ارتجاع و تهدیدات دائمی طبقات حاکمه تشکیل شد. رهبری سابق حزب توانست با اقدامات چندی قسمتی از نقشه‌های ارتجاعی را موقتاً بلااثر ساخته و تشکیل دومین کنگره حزب را تسهیل کند.

۲- کنگره دوم زمانی تشکیل شد که در اثر هجوم عمومی امیرالیسم و ارتجاع در کشور، مجموعی که باحوادث آذرماه ۱۳۲۵ به اوج خود رسید، تشکیلات حزبی سابق را از بین برد و مرتجعین از همسایگی آنرا خبر می‌دادند. در واقع بر خلاف پیشینی مرتجعین و عمال امیرالیسم، سازمان حزبی ما توانست زخم‌های عذیده خود را التیام دهد و خود را برای ادامه مبارزه آماده سازد. تشکیل دومین کنگره حزب توده ایران که در آن نمایندگان سازمانهای حزب در سرتاسر ایران شرکت جست بودند نشانه توفیق حزب در تجدید سازمان خود و آمادگی برای ادامه مبارزه بود. ۳- کنگره دوم زمانی تشکیل شد که از کنگره نخستین سه سال و هشت ماه گذشته و در عرض این مدت حوادث فوق‌العاده بزرگی رخ داده بود، حوادثی که نظر آن را تاریخ معاصر ایران ثبت نمی‌کند. حزب ما در این حوادث نقش مهمی را ایفاء می‌کرد. دومین کنگره موظف بود به تمام مسائل متراکم این دوران طویل و پرحادثه رسیدگی کند و درباره آن قضاوت نماید و از آن به‌درستی نتیجه‌گیری کند.

۴- کنگره دوم زمانی تشکیل شد که پیش از حمله عمومی امیرالیسم و ارتجاع در ایران مسائل مؤد تنازع عذیده‌های در حزب رخ داده بود. تا مدتی حزب در اثر تخریب عده‌ای منحرف که در پشت سیر انقلاب تیرهای زهرآلود خود را برتاب می‌کردند دچار تشکیلاتی نامنظم و بی‌سازمانه و فعالیت آن کاسته شده و از اثرگذاری مبارزه و فعالیت آن کاسته شده بود. کنگره دوم موظف بود با اتخاذ تصمیمی که نیاز به مسائل مورد تنازع انتخابات و تصمیمی را که پس از حادثه انشعاب در حزب ناپدید شده بود مستحکم‌تر ساخته و حزب را از هر گونه تفرقه و تشتت ناشی از تزلزل ایدئولوژیک و سوءتفاهات رها سازد. چنین بود مختصات شرایطی که در آن دومین کنگره حزب ما تشکیل می‌شد.

هیئت اجرائیه موقت می‌بایست برای انجام وظایف خود در چنین شرایط دشوار، برای احراز کامیابی در تشکیل و ختم موفقیت آمیز دومین کنگره، حل منطقی و قطعی مسائل مورد بحث و نتیجه‌گیری سریع و مثبت از کنگره اسلوب کار خود را معین کند.

هیئت اجرائیه موقت از تجارب حاصله از مباحثات حزبی استفاده نمود و طرح اولیه قطعنامه‌های عذیده را با دقت کامل تنظیم کرد. در گزارشهای متعدد نکات قابل تأکید و قابل انتقاد را متذکر شد و با درپیش گرفتن روش صادقانه‌ای برای بیان حقایق اوضاع، با اتخاذ اسلوب محکمی برای جلوگیری از تضادهای مستقیم و غیر حزبی، با توجه به استحکام منطقی پیشنهادها و انتقادهای کار کنگره حزب را تسهیل کرد.

هیئت اجرائیه موقت، نقشه کار کنگره را به دقت تنظیم نمود و مراحل مختلفه کار را پیش‌بینی کرد و مطابق این نقشه کار که با نظارت هیئت رئیسه کنگره اجرا شد، کنگره جریان خود را با نظم و ترتیب بی‌سابقه‌ای پایان داد. هیئت اجرائیه موقت برای تسریع جریان کار، اسلوب مفیدی در پیش گرفت و آنرا به هیئت رئیسه کنگره پیشنهاد نمود و این اسلوب نیز عملی شد. بدین ترتیب که پس از نخستین جلسه همگانی و بعد از اصفاء گزارش عمومی حزب، کنگره به سه کمیسیون تقسیم شد و کمیسیون‌های ششگانه در عرض دو روز به کلیه گزارشها رسیدگی کردند و قطعنامه‌های دقیقه درباره بزرگ از رشته‌های فعالیت حزبی تنظیم نمودند. در جلسه همگانی دوم و سوم کنگره به قطعنامه‌ها رسیدگی کرد و انتخابات را عملی نمود و به کار خود خاتمه داد. در همین وقت در کمیسیونها پیش از آن کار انجام گرفت که ممکن بود و در هفت یا هشت روز کار در جلسه عمومی آنرا عملی ساخت و چون کمیسیونها همزمان کار می‌کردند صرفه‌جویی بزرگی در وقت به‌عمل آمد.

هیئت اجرائیه موقت برای مراعات وضع و موقع صلاح دانست که کنگره بدون تظاهر و در شرایط بی‌سروصدائی تشکیل شود. ضمناً این کار آزمایشی بود برای سنجش اندازه رشد افراد حزب ما. آزمایش نسبتاً با موفقیت همراه بود.

هیئت رئیسه کنگره به‌نوبه خود کوشش به‌عمل آورد تا جریان کنگره را با نظم و ترتیب، با نظیام کامل اداره نماید. هیئت رئیسه کنگره این کار را به‌کمال نمایندگانی کنگره که از خود علاقه و دغدغه‌داری تمسب به حفظ نظم در انضباط نشان می‌دادند انجام داد.

بدین ترتیب دومین کنگره حزب با تطبیق اسلوب کار خود به مختصات زمان و مکان توانست وظایف خویش را به‌درستی انجام دهد. قطعاً در داخل این مختصات است که می‌توان بایدادناج به اسلوب کار و جریان دومین کنگره حزب توده ایران دادی کرد.

کنگره دوم حزب نه فقط بر خلاف انتظار عناصر منحرف یک کنگره مثبت و نتیجه‌بخش بود بلکه در بسیاری جهات نسبت به نخستین کنگره حزب مزیت داشت. به آسانی محسوس بود که حزب تکامل یافته و در جاده صحیح یک مبارزه منظم و منطقی قدم گذاشته است. این مسئله مورد تصدیق کلیه نمایندگان بود که در نخستین کنگره حزب نیز عضویت داشتند. نوع گزارشها و قطعنامه‌ها، روش مذاکرات و اتخاذ تصمیم، جریان انتخابات همه و همه تکامل کامل محسوس یافته و شکل صحیح و منطقی در همه آنها پدید شده بود. گاه این جریان رشید و منطقی برخی از رفقای ما را به شوق می‌آورد و آنها را وادار به تحسین و ستایش می‌کرد.

II

کارهایی که دومین کنگره حزبی انجام داده است

دومین کنگره حزبی به انجام وظایف خطیری توفیق یافت. ترازنامه این کنگره کارهای مثبت بزرگی را نشان می‌دهد. این کنگره موفق شد اساسنامه جدید حزب، طرح هیئت اجرائیه موقت را مورد مطالعه قرار دهد و تصویب کند. اساسنامه جدید منظره سازمانی حزب را تغییر می‌دهد و تشکیلات حزبی را بر پایه‌های مستحکم‌تری می‌گذارد. دمکراسی و سانترالیسم در استخوان‌بندی جدید تشکیلات ما بهتر از گذشته ملحوظ شده است. اصل تقسیم‌کار و مسئولیت و حساب کشیدن در نظر گرفته شده و از ابهام و آشفتگی‌های چندی جلوگیری به‌عمل آمده است. اساسنامه نوین حزب ناشی از ضرورت‌های تازه و حاصل تجارب گذشته است. این اساسنامه که می‌توان گفت اجراء آن در شرایط کنونی دارای یک جنبه آزمایشی نیز هست در میدان عمل بازمی‌تست. نیاز داشت و آن را طرح و تصویب کرد که حزب ما، به اساسنامه جدیدی نیاز داشت و آن را طرح و تصویب کرد دلیل بارز رشد و تکامل سازمانی حزب است. اجراء این اساسنامه که بلاواسطه پس از پایان کنگره آغاز شده است. حزب ما را برای قبول مراحل تازه‌تری از رشد و تکامل مستعد می‌سازد.

دومین کنگره حزب به یک رشته مسائل مهم سیاسی و تشکیلاتی که در عرض سه سال و هشت ماه در حزب متراکم شده و مباحثه در اطراف آنها وسیله

و تقی‌ما واقعیت این جریان را با آنچه که دشمنان ما و بخصوص منحرفین و انشعابیون درباره کنگره حزب حدس می‌زدند می‌سنجیم، بی‌می‌بریم که تا چه اندازه واقعیت با انتظارات آنها تفاوت دارد.

پیش از تشکیل کنگره یکی از سردمداران انشعابیون گفته بود: وحدت کنونی در حزب وحدتی است ظاهری، در هیئت اجرائیه موقت تضادهای بسیاری است که در سر تمشیت امور مربوط به کنگره و مسئله انتخابات آن آشکار خواهد شد. یکی دیگر از سردمداران انشعابیون گفته بود حزب توده ایران در کنگره دوم خود متلاشی می‌شود!

حقیقت آنست که این اشخاص تصور می‌کرده‌اند هنوز محیط تفاهت و تضادی که در ایام فعالیت زبان بخش آنها در حزب بوجود آمده بود در حزب باقی است. هیئت اجرائیه موقت تصمیم گرفت در عمل به این حدسیات و پیش‌بینی‌ها پاسخ‌دهنده‌ای بکند. هیئت اجرائیه موقت در تمام جزئیات امور مربوط به دومین کنگره با اتفاق نظر کامل تصمیم گرفت و همین وحدت عمیق دستگاه رهبری سابق حزب موجب شد که جریان کنگره در یک محیط نظم و ترتیب و صمیمیت کامل بگذرد. هیئت اجرائیه موقت اختلافاتی را که در ایام فعالیت انشعابیون و بوسیله آنان مایه بزرگترین جنجالها قرار می‌گرفت و به صورت غیر حزبی و غیر منطقی طرح می‌شد، بایک روح وحدت و صمیمیت حزبی کامل به دور ریخت و به آنها خاتمه داد. می‌توان امیدوار بود که نظیر آن نوع مشاجرات غیر حزبی و غیر منطقی که ناشی از روش خرابکاری افراد منحرف بود در آینده در حزب پدید نخواهد آمد.

نمایندگان دومین کنگره حزب برای خاتمه دادن به انتظارات سوء افراد منحرف از طرفی قطعنامه‌های مربوط به انشعاب و کروژکیسم را به اتفاق آراء و با شور و هیجان کامل تصویب کردند و از طرفی به حسن جریان، سرعت جریان و نتیجه بخشی کار کنگره مساعدت نمودند. نمایندگان کنگره و جدان اجتماعی، حس مسئولیت و وظیفه‌شناسی شایان ستایشی از خود نشان دادند. سایه شوم انشعابیون پیوسته آنها را از هر گونه تشتت و خلاف گوئی و ایجاد تشنج بزرگتر می‌داشت. آنها حس می‌کردند که حزب در درجه اول به وحدت و صمیمیت احتیاج دارد.

بدین ترتیب جریان دومین کنگره، انتظارات عناصر منحرف را که چشم براه پراکندن حزب در دومین کنگره بودند به یاس مبدل ساخت و به انتظارات دودغین آنها پاسخ‌دهنده‌ای بکند.